

اتفاق

دعوت به عشق

● پاپ، مردم جهان را به دوست‌داشتن تشویق کرد. او در سخنرانی عشای ربانی‌اش از مسیحیان دنیا خواست تا عشق را به حرص و طمع ترجیح دهند. او گفت که این حرص و آز در طول تاریخ همراه انسان‌ها بوده است، حتی حالا که به شکل شگفت‌انگیزی ثروت بسیاری در دستان تعداد اندکی وجود دارد، درحالی‌که مردم زیادی در جهان نیازمند غذای روزانه خود هستند. این روزها در سراسر جهان بسیاری از مسیحیان تولد حضرت عیسی (ع) را جشن گرفته‌اند و خود را آماده آغاز سال نوی میلادی می‌کنند؛ پاپ فرانسیس ۸۲ ساله که رهبر ۱.۳ میلیارد کاتولیک جهان است، در بخش دیگری از سخنانش تاکید کرده است مردم به دنبال ثروت‌های مادی نباشند و به دنبال عشق، خیرخواهی و مهربانی باشند. پاپ گفت: نباید اعتقاد و اصول اولیه خود را از دست دهیم، این‌گونه به جهان‌گرایی و مصرف‌گرایی می‌رسیم». او سال پیش در پیام کریسمسی خود درباره مهاجران و میهمان کردن آنها در خانه خود توسط دیگران گفته بود.

پیشنهاد

از کرمانیا تا کرمان

● نشست «از کرمانیا تا کرمان؛ پستوانه گذشته، چشم‌انداز آینده» در خانه گفتمان شهر برگزار می‌شود. در گذر از نودوسومین زادروز «محمدابراهیم باستانی‌باریزی»، نشست «از کرمانیا تا کرمان؛ پستوانه گذشته، چشم‌انداز آینده» برپا می‌شود که در آن مفاخر متولد کرمان مانند احمدرضا احمدی، هوشنگ مرادی‌کرمانی، حسین مرغشی، احمد نقیب‌زاده، محمدعلی فردوسی، علی‌اکبر عبدالرشیدی، نعمت احمدی، فرخنده حاجی‌زاده، مجتبی میرطهماسب و حمید باستانی‌باریزی حضور دارند و سخن خواهند گفت. همچنین بخش‌هایی از مستند «از پاریز تا پاریس»، با حضور روانشاد دکتر باستانی‌باریزی، ساخته سیدجواد میرهامشی به نمایش درخواهد آمد. این نشست امروز، ساعت ۱۷ در خانه گفتمان شهر (خانه وارطان) به نشانی تهران، میدان فلسطین، خیابان طالقانی غربی، شماره ۵۱۴ برگزار خواهد شد.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

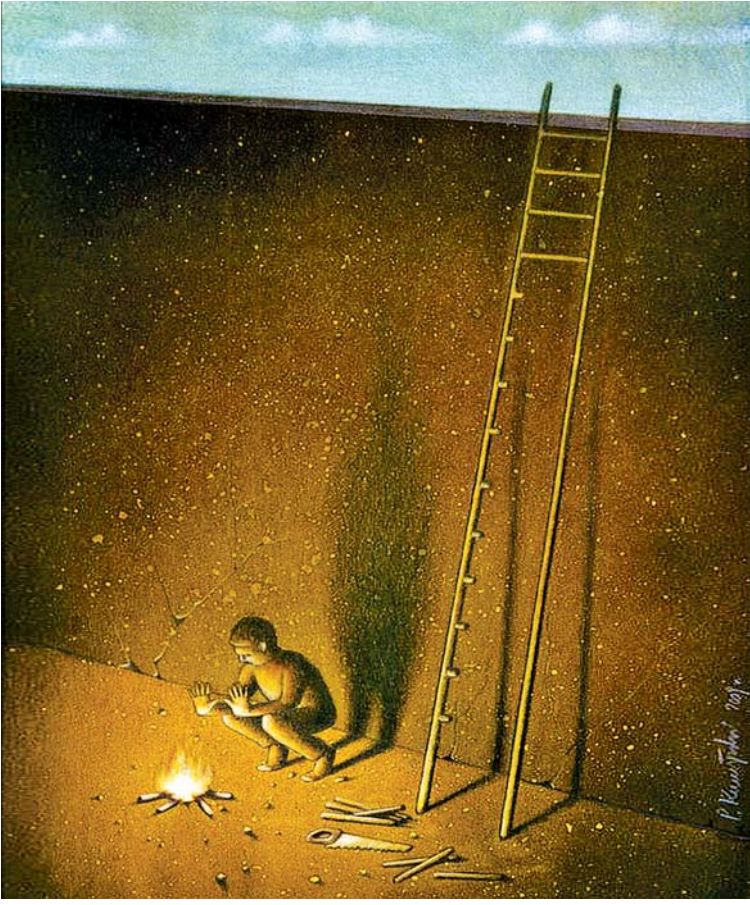
چهارشنبه ۵ دی ۱۳۹۷ • ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ • ۲۶ دسامبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۲۶ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۰۵ • اذان مغرب ۱۷:۱۸ • اذان صبح‌فردا ۵:۴۳ • طلوع آفتاب ۷:۱۳

روزانه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

پاول کوژینسکی



بانک تجارت

حرفه‌ای‌ها هوشمندانه انتخاب می‌کنند

عملیات بانکی خود را به همراه بانک تجارت بسپارید حتی اگر در بانک ما حساب ندارید



۱ ورود از طریق اثر انگشت و تشخیص چهره (در صورت وجود قابلیت آن بر روی گوشی همراه)

۲ امکان انتقال وجه، پرداخت قبوض، پرداخت های سازمانی شناسه دار، از بانک تجارت و سایر کارت های عضو شتاب خرید شارژ و بسته های اینترنت

۳ امکان انتقال وجه به حساب مقصد تنها با داشتن شماره ه همراه مقصد

۴ افزودن کارت های مبداء و مقصد تنها از طریق اسکن کارت

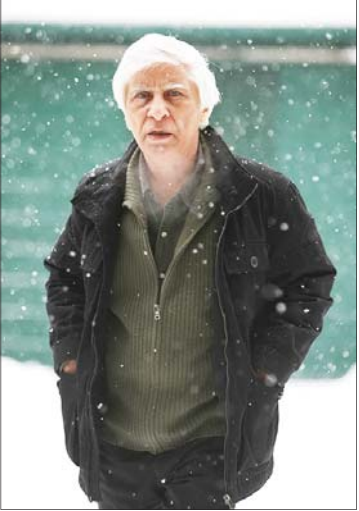
۱۵۵۴ tejaratbank

tejaratbank.irGapim/tejaratbankofficial

قابل دریافت از وبسایت اصلی بانک تجارت و بازارهای معتبر اپلیکیشن موبایل

جشن نامه بیضایی

هنوز می توان از تولدش خوشحال بود



امکان دیدن دست‌کم تکه‌ها و دقایقی از آن را داریم. عکس‌هایش را دست‌به‌دست می‌چرخانیم و هم‌زمان با این حسرت در دل، که چرا دیگر بر صحنه تالار وحدت نمی‌توانیم اثری از او را تماشا کنیم، ذوق‌زده‌ایم از اینکه ایده‌های او بر صحنه‌ای دیگر، فرستگه‌ها دورتر، جان می‌گیرند و گرچه دور از چشم ما اما، چشم‌ها می‌نوازند. این دوری انگار، آغازگر راهی تازه هم برای بیضایی بوده است. چنان‌که محمد چرمشیر می‌گوید: «وقتی درمورد آقای بیضایی صحبت می‌کنی مثل این است که درباره ضرورت آفتاب و مهتاب صحبت کنی، آنها وجود دارند و وجودشان حتمی و انکارناشدنی‌ست و نیازی به اثبات هم ندارد. بخشی از آثار آقای بیضایی که پس از

عسل عباسیان: امروز روز مبارکی است، قله ادبیات نمایشی معاصر ایران... بهرام بیضایی... هشتاد سالگی‌اش را – گرچه دور از وطن – جشن می‌گیرد؛ و جشن می‌گیریم زادروزش را، که زادروز او جشنی ملی‌ست. نه جشنی ملی، که جشنی فراملی‌ست برای فارسی‌زبانان، در هر کجای جهان که هستند، و متعلق به هر ملیت... بهرام بیضایی سال‌هاست با آثارش با مخاطبان سخن می‌گوید. اغراق نیست اگر بگوییم بیضایی در این چند سال دوری از وطن که کم‌کم به یک دهه می‌رسد، تقریباً به‌اندازه تمام سالیانی که در ایران زیست، نمایش روی صحنه برده است. دو سالی می‌گذشت از زمانی که بهرام بیضایی از ایران رفته بود و در همین سال بنا داشت «جانا و ولادور» را روی صحنه ببرد که نمایشی بر اساس سایه‌بازی بود و بعد از «گزارش آرش» و «گزارش ارداویراف» و چند سال پیش هم «طرب‌نامه» را ساخت و نوروز امسال هم که اجرای «چهارراه»‌اش شگفتی ساخت و حسرت ما را بابت دوربودنش، بیشتر کرد. بیضایی به‌گواه کارنامه پربارش همواره به سنت‌های نمایشی ایران نظر داشته و این سال‌ها نیز در تمام این نمایش‌نامه‌ها، به‌طرز متمرکز و مؤکد به فرم‌های نمایش سنتی پرداخته است. حال آنکه بهرام بیضایی غالب این آثار را سالیان پیش در وطن خود نوشته بود؛ اما به‌گفته خودش چون امکان اجرا فراهم نبود، آنها را از خاطر برده بود؛ اما بهانه نوشتن از این هنرمند بزرگ، پنجم دی، همین است که او همچنان بر خلاف تصور علی جنتی، وزیر اسبق ارشاد که گفته بود مگر او هنوز می‌تواند کار کند، بیش از ۹ سال است که دور از وطن بی‌وقفه کار کرده و شاهد این مدعا هم نمایش‌هایی است که به برکت شبکه‌های اجتماعی، همگان حتی ما،



پوریا عالمی

تا الان یکی از مشکلات مردم ایران این بود که همه بدبختی‌ها مال غیرتهرانی‌هاست؛ مثلا زلزله، سیل، بی‌آبی، بی‌کاری، قطعی گاز و برق، بهداشت و درمان، آموزش، آتش‌گرفتن مدرسه و سقوط هواپیما و چپ‌کردن اتوبوس. اتوبوس دانشجوها در تهران – پایتخت ایران – چپ کرد و دانشجویان جان به جان‌آفرین تسلیم کردند. این خبر با همه تلخی‌ای که دارد نشان می‌دهد ما به یک عدالت جامع و مانع رسیده‌ایم؛ یعنی فرقی بین نقاط کشور نیست. مسئولان گفته‌اند حالا که نمی‌توانند جلوی تولید خودروهای بی‌کیفیت را بگیرند یا چون نمی‌توانند ترتیب جاده‌سازی ایمن را بدهند یا چون نمی‌توانند چهارتا هواپیما بخرند و این هواپیماهای مستهلک را از ناوگان هوایی خارج کنند، حالا که نمی‌توانند مدرسه‌های ایمن بسازند، حالا که نمی‌توانند به زلزله‌زده‌ها کمک کنند، حالا که ساخت‌وساز ساختمان‌ها می‌ان‌قدر کشکی است که با یک عطسه فرومی‌ریزد و حالا که نمی‌توانند وضع اقتصادی کشور را ثبات ببخشند تا مردم امنیت اقتصادی و کاری داشته باشند، تصمیم گرفته‌اند همان شرایط را هم برای تهران فراهم بیاورند، چون غیرتهرانی‌ها شاکي بودند مسئولان وقتی از شهرستان بلند می‌شوند می‌آیند تهران و مسئول می‌شوند و شغل پیدا می‌کنند، شهرهای دیگر را فراموش می‌کنند. این خیلی مسخره است که ما داریم با چنین موضوعاتی شوخی می‌کنیم؟ راستش این هفته چپ‌کردن اتوبوس، دو روز پیش سوختن مدرسه، سه روز پیش توهین نماینده، چهار روز پیش آتش‌سوزی، پنج روز پیش زلزله، هر روز تصادف و هر روز هزویک خبر ناگوار ما را سر کرده است. در همین چند سال چقدر آمار سرطان معلوم نیست از چه کوفتی است زیاد شده؟ حقیقتش این است که ما در وضعیتی به‌سر می‌بریم که وقتی از خانه خارج می‌شویم باید از اهل خانه حلالیت بطلبیم، چون ممکن است در تصادف، در آلودگی هوا، در سقوط هواپیما، در چپ‌کردن اتوبوس، در آتش‌سوزی، در عمل اشتباهی در بیمارستان، در برخورد با اجسام مختلف یا هر چیز دیگری جان به جان‌آفرین تسلیم کنیم. حالا شما فکر می‌کنید در خانه بمانیم امن است؟ خبر، یا زلزله می‌آید و این خانه‌ها که با فوت ساخته شده و با همین فرمول مجوز ساخت و پایان کار گرفته، روی سرمان خراب می‌شود یا یک دانشمندی در کوچه شش‌متری کودبرداری ۶۰ متری کرده تا پاساژ و مال و برج بسازد و خانه ما نشست می‌کند. واقعا هم همه اینها فقط محصول مسئولان مملکت نیست، چون اینها پول را می‌گیرند و مجوز می‌دهند یا برخی هم زیرمیزی را می‌گیرند و چشم را می‌بندند، خود ما همدست بیشتر این فجایع هستیم. همین فجایع که ماشین بی‌کیفیت تولید می‌کنیم – مجوز بدهند مگر وجدان نداریم؟ – محصول بی‌کیفیت می‌دهیم دست مردم – مردم خیر ندارند مگر خودمان نمی‌دانیم؟ – و هر فاجعه دیگری محصول مشترک ما و مسئولان است. ماشین چپ می‌کند؟ جاده‌سازی مشکل دارد، خودروسازی که بخش مثلا خصوصی است. لاستیک را که مسئولان نباید چک کنند. لاستیک غیراستاندارد را مجوز می‌دهند قبول، ولی بستن آن زیر ماشین و فرسودگی‌اش فقط تقصیر اساتید نیست. خودمان مقصریم. از هوای آلوده سکت می‌کنیم؟ کارخانه‌های آلاینده هستند؟ قبول. تا حالا شده از خودروی تک‌سرنشین استفاده نکنیم و هوای تهران و اصفهان و مشهد و... را به این وضع نکشیم؟ ما همان اندازه مقصریم که مسئولان مقصر هستند. مسئولان که از مریخ نمی‌آیند، من و شما هستیم که فردا وقتی هیچ‌کس تأیید نمی‌شود، از بی‌کسی ما را در لیست می‌گذارند که تنور را گرم کنیم. من واقعا متأسفم. با حذف مسئولیت خودمان، بار را انداخته‌ایم روی دوش دیگران و خودمان راحت نشستیم. ما تا سر خودمان هم نباید لب از لب باز نمی‌کنیم یا تا بر سر خودمان نباید صدایمان در نمی‌آید. فاجعه وقتی است که یک‌بار اتفاق بیفتد. همه این اتفاقات که منجر به جوان‌مرگی این مردم می‌شود قابل پیش‌بینی است و تک‌تک ما در مرگ هم مقصریم.

سینمای هنرو تجربه

شماره دی‌ماه ۱۳۹۷ ماهنامه «سینمای هنرو تجربه» منتشر شد. در آن یادداشت‌هایی بر تعدادی دیگر از آثار سینمایی از جمله «همه می‌دانند» اصغر فرهادی، فیلم انگلیسی «یک هفته‌ای بمیر» –مرزوی بر آثار فرانسوا تروفو، نگاهی به «۲۴ فریم» کیارستمی، نگاهی به کتاب «کپی برابر اصل» از مجموعه فیلم به‌مثابه

فلسفه، بازنگری «جعفرخان از فرنگ برگشته» علی حاتمی و «بلید رنر» ردلی اسکات را نیز می‌توان دید. بخش اصلی مجله شامل میزگردی درباره فیلم «در جست‌وجوی فریده» با حضور علیرضا شجاع‌نوری و شبنم مقدمی و نقدها و گفت‌وگوهایی با سازندگان «گلدن-تایلم»، «یولاریس»، «تالان»، «من سیاه‌پوستم» و همچنین، «گزارش فرار یوسفی»، «و کیارستمی

ادامه دارد، «آهستگی»، «ایستگاه‌امر»، «دو لکه آید»، «پاسیو»، «هندی و هرمز» و چند فیلم دیگر- گروه هنرو تجربه است. هنرو تجربه در ۱۶۲ صفحه و با قیمت ۱۰ هزار تومان عرضه شده است.



کوبین اسپیسبی، ستاره هالیوود که از یک سال پیش با اتهام تعرض جنسی که ۳۰ سال پیش اتفاق افتاده، امکان کار را از دست داده و در عمل خانه‌نشین شده است، روز دوشنبه با پخش ویدئوی عجیبی به چهره صدرنشین شبکه‌های اجتماعی تبدیل شد و واکنش‌های موافق و مخالف بسیاری را برانگیخت. این بازنگر ۵۹ ساله که شهرتش را در اواخر سال‌های ۱۹۹۰ با فیلم‌هایی مانند «مظنونین همیشگی»، «محرمانه لس‌آنجلس» و «زبای آمریکایی» کسب کرد و سال گذشته با ایفای نقش اصلی در پنج فصل سریال «خانه پوشالی» یکی از پرطرفدارترین‌ها در هالیوود بود، با طرح اتهامی از سوی یک مرد بازنگر که اعلام کرد اسپیسبی در ۱۴ سالگی با او تعرضی به او انجام داده است، از پروژه‌ها کنار گذاشته شد و ازجمله تمام صحنه‌هایی که بازی کرده بود، در فیلم اخیر ریدلی اسکات حذف و به کریستوفر یلامر واگذار شد. شخصیتی که اسپیسبی در «خانه پوشالی» نقش او را بازی می‌کرد، سیاست‌مدار فاسدی به نام فرانک آندروود بود که در فصل ششم مرده اعلام شد و شبکه نتفلیکس حتی مقبره‌ای برای او در یک گورستان ساخت تا به جاذبه‌ای توریستی برای طرفداران تبدیل شود. اسپیسبی در ویدئوی جدید خود، فیلمی سه‌دقیقه‌ای با عنوان «بگذارید روزاست باشم» که ایهامی در آن است و می‌توان «بگذارید فرانک باشم» نیز آن را خواند، در نقشی مشابه آندروود ظاهر شد و درواقع این شخصیت را از کور بیرون آورد و به سبک همان سربال و در قالب همان شخصیت با لهجه ساکنان جنوب آمریکا رو به دوربین صحبت کرد. او در این ویدئو که اعتراضی به جنبش #MeToo محسوب می‌شود، با رویوشی که نقش‌های کریسمسی بر آن دیده می‌شود، در حال طرف‌فرشتن

ظاهر شد و در یک تک‌کوبی رو به دوربین گفت: «می‌دانم شما چه می‌خواهید؛ می‌خواهید برگردم». بازنگر از خود دفاع کرد و از این «استضاح بدون محاکمه» که سبب کنارگذاشتن او شده، انتقاد کرد. درواقع جلسه تفهیم اتهام و استماع دفاعیات اولیه او قرار است دو هفته دیگر برگزار شود. اسپیسبی گفت: «تمام این پیش‌فرض‌ها برای یک پایان‌بندی غیررضایت‌بخش ساخته شده است... من هزینه چیزهایی را نمی‌دهم که هم من و هم شما می‌دانیم انجام داده‌ام، قطعا قرار نیست هزینه چیزهایی را بپردازم که انجام نداده‌ام». کوبین اسپیسبی چند ماه پیش نامه‌ای خطاب به بازنگر اتهام‌زننده نوشته و ضمن عذرخواهی گفته است در زمان یادشده حال عادی نداشته و بنابراین به یاد نمی‌آورد چه اتفاقی افتاده است. اما اگر چنین چیزی واقعیت داشته، از او عذرخواهی می‌کند. البته اتهام‌های تازه‌ای نیز در آمریکا و انگلستان علیه او مطرح شده است. اسپیسبی این ویدئو را با این جملات به پایان رساند: «نتیجه‌گیری ممکن است فریب‌دهنده باشد. دلانن برای من تنگ می‌شود»، تفلیکس و دست‌اندرکاران سریال HCO هیچ نظری در مورد این ویدئو نداشتند. واکنش‌ها به ویدئو آنچنان گسترده بود که تبدیل به ترند اول توئیتر شد و ازجمله تعدادی از هالیوودی‌ها در توئیت‌هایی درباره او اظهارنظر کرده‌اند. یکی نوشته است: «فکر نمی‌کنم کوبین اسپیسبی مجری مراسم اسکار بشود» و دیگری نوشته: «یک جنبه مثبت ویدئوی اسپیسبی این است که نشان می‌دهد وقتی فیلم‌نامه‌نویس نداشته باشید، چه اتفاقی می‌افتد». یان فاورو، کارگردان هالیوودی توئیت کرده است: «آیا کوبین اسپیسبی الان از تیم حقوقی دونالد ترامپ استفاده می‌کند؟» و نویسنده و بازیگری به نام مکس سیلوستری هم در صفحه توئیترش از قول وکیل‌مدافع اسپیسبی نوشته است: «خب، حالا دیگر وقتش رسیده که با خیال راحت یک جرعه قهوه داغ بنوشیم و ببینیم در توئیتر چه خبر است». در نهایت این ویدئو چالشی دوباره بود درباره اخلاق –حمایت از فرد آسیب‌دیده از تعرض– و علاقه‌مندی به بازنگری توانا که عدم حضورش در این مدت محسوس بوده است.

پیشخوان

ادامه دارد، «آهستگی»، «ایستگاه‌امر»، «دو لکه آید»، «پاسیو»، «هندی و هرمز» و چند فیلم دیگر- گروه هنرو تجربه است. هنرو تجربه در ۱۶۲ صفحه و با قیمت ۱۰ هزار تومان عرضه شده است.

